

## بررسی و نقد آراء آیت الله سبحانی در مورد حقیقت عبادت

سیداحمد هاشمی علی آبادی\*  
محمدجواد حسن زاده مشکانی\*\*

### چکیده

شناسایی اصطلاح عبادت در نظام علمی واژه شناسان سابقه‌ای دیرینه دارد. فرقه وهابیت با تئوری اشتباه در فهم معنای آن، حکم به تکفیر مسلمانان کرده است. در مقابل؛ آیت‌الله سبحانی در اکثر تألیفاتش عبادت را به گونه‌ای دیگر تحلیل کرده است که به حقیقت شرع نزدیک‌تر است. «تبیین تعاریف آیت‌الله سبحانی از عبادت اصطلاحی و نقد و بررسی آنها» مسئله اصلی این مقاله است.

ایشان برای عبادت دو رکن درونی و بیرونی برشمرده است. رکن درونی، خضوع و تذلل از سوی عابد است و رکن بیرونی خود، در چهار گروه دسته‌بندی می‌شود. در گروه اول، «الوهیت» رکن است و عبادت به معنای خضوع در برابر اله است. در تعریف دوم، «ربوبیت» رکن است و عبادت به معنای خضوع در برابر موجودی است که خاضع، باور به مدیر و رب بودن او دارد. رکن در تعریف سوم «مستقل بودن» و در چهارم «تفویض» است. عبادت در تبیین سوم، به خضوع در برابر خالق و موجود مستقل تعریف شده و در چهارم، به معنای خضوع در برابر موجودی غیر از خدا همچون بت‌ها، ستارگان، فرشتگان، انبیاء و اولیاء است که امور عالم به آنها تفویض شده است. تعریف نویسنده از عبادت، «اظهار تذلل و انقیاد در پیشگاه رب» می‌باشد که افزون بر جامع بودن، اشکالات تعریف آیت‌الله سبحانی را نیز ندارد. روش مقاله مبتنی بر استقراء کتابخانه‌ای در آثار آیت‌الله سبحانی با روش توصیف و تحلیل مفهومی است.

کلیدواژه‌ها: آیت‌الله سبحانی، عبادت، خضوع، الوهیت، ربوبیت.

#### مقدمه

عبادت از موضوع‌های مهمی است که در سوره‌ها و آیات قرآن کریم به وفور دیده می‌شود. آیات متعددی آن را اختصاص به خداوند دانسته (اسراء/۲۳) و در مقابل از عبادت بت‌ها و شیاطین نهی کرده‌اند. قرآن کریم این رفتار دینی را اصلی محوری در تمام شریعت‌های آسمانی دانسته (آل عمران/ ۶۴) و رسالتی مشترک برای همه امت‌ها معرفی کرده است (نحل/ ۳۶). یکی از مراتب توحید در نظام اسلامی، توحید در عبادت است.<sup>۲</sup> که هر مسلمانی باید آن را فراگیرد، در باور بدان پایبند باشد و در رفتار خویش آن را نشان دهد. خداوند در فطرت همه انسان‌ها زنده هست اما بشر فراموش کار به سبب عواملی همچون سرگرمی به اسباب مادی و وسوسه‌های شیطان از پرستش خدای یگانه غفلت می‌ورزد، به سوی شرک در عبادت می‌رود، از این رو فهم درست توحید عبادی اهمیت بیشتری نسبت به دیگر مراتب توحید دارد.

توجه ویژه قرآن کریم و شریعت‌های الهی به موضوع عبادت هر انسان محقق را فرامی‌خواند تا معنا و حقیقت آن را به‌خوبی فرا بگیرد و آن را در مقام باور و عمل از شرک و بت‌پرستی تمایز دهد و به وادی شرک ورود نکند.

فهم درست توحید عبادی با چنان ظرافتی همراه است که گاه از دسترس برخی عالمان دینی نیز خارج می‌شود، به گونه‌ای که برخی علمای وهابیت همچون ابن تیمیه تعریف نادرستی از عبادت مطرح کردند که صدمات و مفاسد فراوانی بر اندیشه ناب توحیدی در جهان اسلام وارد ساخت و موجب بروز رفتارهای خشونت‌آمیز به بهانه ورود مسلمانان به شرک در مقاطع مختلفی از تاریخ اسلام شد. ابن تیمیه عبادت را به معنای «ذل» - خضوع - تعریف می‌کند (ابن تیمیه، ۱۴۰۱ق، ص ۴۸) و در جای دیگر عبادت را کمال ذل و خضوع (همو، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۸؛ همو، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۱۲) و غایت ذل و نهایت و کمال ذل (همو، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۵۶). تعریف می‌کند. ابن تیمیه، شیعیان را منشأ همه فتنه‌ها در جهان اسلام معرفی می‌کرد و جنگ با آنها را از جنگ با خوارج و مغولان مهم‌تر می‌دانست (همان، ج ۲۸، ص ۴۸۹-۴۶۸). او شیعیان را به سه دسته تقسیم می‌کند: الف) غالیان: گروه‌هایی مانند نصیری، اسماعیلیه، قرامطه و دروزیان، به باور ابن تیمیه این‌ها کافرنند و جنگ با آنها واجب است (همان، ص ۴۶۸). اثنا عشریه: ابن تیمیه

شیعیان اثناعشری را به دلیل اعتقاد به مواردی از جمله نقص قرآن و ارتداد صحابه پس از وفات پیامبر (ص) کافر می‌دانست (همان، ۱۴۰۳ ق، ص ۵۸۶، ج) زیدیه.<sup>۳</sup>

این گونه تعریف از عبادت سبب خارج شدن گروه زیادی از مسلمانان از دایره اسلام می‌شود چراکه هر مسلمانی در برابر دیگری خضوع دارد و قطعاً این رفتار سبب شرک او نمی‌شود. برای مثال، فرزند در برابر پدر خاشع است. انبیاء در برابر پدرانشان خاضع بودند و خداوند کریم، ذل و خشوع در برابر پدر و مادر را واجب کرده و دستور داده است فرزندان در برابر آنها فروتن باشند. از این رو لازم است برداشت صحیح از عبادت بررسی شود (میرمحمدی، ص ۴-۲). تا نقاط ضعف و قوت آن مشخص شود و به زدودن آن از غبار کج فهمی همت گمارد.

یکی از دانشمندانی که اهتمام ویژه‌ای به این امر داشته، آیت‌الله جعفر سبحانی است. ایشان در بیش از ۱۸ اثر از تألیفات عربی و فارسی به تحقیق و تبیین این واژه در قرآن کریم، سنت نبوی و سیره صحابه پرداخته‌اند. همچنین از آنجا که اکثر لغت‌دانان بدین واژه اشاره کرده‌اند؛ بررسی آراء ایشان نیز از نظر آیت‌الله سبحانی مغفول عه نه نبوده است. به علاوه تأمل در دیدگاه‌های مفسران عامه و امامیه و عیوب و محاسن هریک را نیز مد نظر داشته‌اند.

مسئله‌ای که این مقاله درصدد بررسی آن است، ابتدا «تبیین دقیق تعاریف آیت‌الله سبحانی از عبادت اصطلاحی» است و گویای دیدگاه ایشان در مقوله عبادت است و نشان می‌دهد که نظر ایشان به حقیقت شرع نزدیک‌تر است و در ادامه به بازخوانی و ارزیابی این دیدگاه می‌پردازیم.

#### ۱. تبیین مفهوم عبادت در لغت و اصطلاح

ارباب لغت، ماده «ع.ب.د» را با ساختارهای گوناگونی ذکر کرده‌اند. ابن فارس سعی کرده معانی گوناگون این واژه را در دو گروه کلی یعنی نرمش و ذلالت نفس و شدت و غلظت نفس تقسیم کند (ابن فارس، ص ۵۹۷)<sup>۴</sup> دیگران این معنا را از این دو عبارت استخراج کرده‌اند: الف) «بعیر معبد»؛ ب) «الطریق المعبد». فراهیدی بر اساس تعبیر اول عبادت را به معنای ذلول آورده است (فراهیدی، ج ۲، ص ۱۱۲۴؛ شرتوتی، ج ۲، ص ۷۳۷). خلاصه گفتار اهل لغت این است که آن‌ها واژه «عبد» را یا به عنوان معنای مطابقی (جوهری، ج ۲، ص ۵۰۲؛ ابن منظور، ج ۳، ص ۲۷۴) یا بر اساس دلالت التزامی (ابن فارس، ص ۵۹۷). به معنای «تذلل و خواری» ذکر کرده‌اند.

عبادت در دیدگاه شیخ طوسی و مرحوم طبرسی نیز به معنای «ذلت» آمده است (طوسی، ج ۱، ص ۳۸؛ طبرسی، ج ۱، ص ۲۵؛ ابن جریر، ج ۱، ص ۹۴). این واژه در روایات و لغوی‌های مفسر قرآن نیز به معنای ذلیل و فرومایه است (ابن منظور، ج ۳، ص ۲۷۱؛ فیروزآبادی، ج ۴، ص ۹). ابن فارس در بیان معنای دوم این واژه آن را به معنای شدت و غلظت گرفته که متضاد با معنای تذلل است (ابن فارس، ص ۵۹۷). از این رو، این واژه از اضداد است (ابن انباری، ص ۳۵). برخی دیگر نیز عبادت را به معنای «اطاعت» دانسته‌اند (ابن منظور، ج ۳، ص ۲۷۳؛ جوهری، ج ۲، ص ۵۰۳؛ الزاوی، ج ۳، ص ۱۳۵). در نگاه برخی دیگر، اضافه کردن قید «مع الخضوع» (ابن منظور، ج ۳، ص ۲۷۳) یا «نهایت خضوع». (شرتوتی، ج ۲، ص ۷۳۶) برای معنای اطاعت لازم است.

## ۲. تبیین عبادت نزد وهابیت

نقطه مقابل دیدگاه آیت الله سبحانی دیدگاه وهابیت در مورد عبادت است که مورد نقد جدی ایشان است. برای فهم مفهوم عبادت نزد وهابیت باید بدانیم توحید نزد اینان به سه قسم تقسیم شده است. الف) توحید ربوبی؛ ب) توحید عبادی (الوهی)؛ ج) توحید صفات (ابن عبدالوهاب، بی تا الف، سؤال ۴۰، ص ۸؛ همو، ۱۴۱۸ق، ص ۶-۵). این گروه برای عبادت معنایی هم طراز با لغت شناسان برشمرده‌اند. ابن تیمیه در معنای لغوی عبادت می‌نویسد: «عبادت در لغت به معنای «ذل» - خضوع- است» (ابن تیمیه، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۴۸)، فهم او از عبادت چنین است: «مفهوم عبادت از دو عنصر ساده تشکیل شده است: ۱. «خضوع برای خدا»؛ ۲. «محبت برای خدا» که بدون عنصر دوم عبادت به معنای واقعی آن به وقوع نمی‌پیوندد» (همان، ص ۳۱).

ابن عبدالوهاب نیز در تبیین مفهوم عبادت گوید: «عبادت یعنی غایت خضوع و تذلل و غایت محبت و تعلق برای کسی که این اعمال برای او انجام می‌شود (قاضی زاده)». (ابن عبدالوهاب، بی تا، ص ۷).

## ۳. تبیین لغوی و اصطلاحی عبادت در دیدگاه آیت الله سبحانی

آیت الله سبحانی در بیشتر آثار خویش به تعریف عبادت پرداخته است.<sup>۵</sup> روش ایشان در برخی از این آثار پردازش دیدگاه صحیح اسلامی برای دفاع از رفتار شیعه امامیه است. این دفاع آگاهانه در راستای عکس‌العملی در رد دیدگاه افراطی فرقه وهابیت از اهل سنت شکل گرفته است.<sup>۶</sup>

ایشان در روش دوم، ابتدا به تبیین و تحلیل عبادت در لغت و اصطلاح پرداخته، از این رو تألیف برخی کتاب‌ها نه برای دفاع بلکه برای تبیین نظریه اسلام درباره عبادت الهی می‌باشد.<sup>۷</sup>

### ۳.۱. تعریف عبادت از نظر آیت‌الله سبحانی بر اساس مفهوم لغوی آن

آیت‌الله سبحانی معتقد است که لفظ «عبادت» همچون الفاظی مانند آسمان و زمین مفهومی روشن و قابل فهم برای همه دارد. همچنین مصادیق واژگان مزبور به روشنی برای همه قابل فهم است. نشانه این وضوح تمییز دادن مصادیق واقعی عبادت از رفتارهای غیرعبادی است. به عنوان مثال هیچ گاه احترام گذاشتن به پدر و مادر گرچه به حد نهایی باشد یا بوسیدن خاک قبر آن‌ها پس از مردنشان عبادت و پرستش پدر و مادر نیست و کسی آن را تقبیح و تلقی به پرستش نمی‌کند؛ اما با این توصیف، تعریف آن کار آسانی به نظر نمی‌رسد. از این رو باید تمام هم و غم را به کار بست و ملاکی مشخص برای آن ارائه داد (سبحانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۸۶). ایشان باور دارد که این واژه در کتاب و سنت تعریف نشده است (همو، ۱۴۱۷ق، ص ۵۲).

از آنجاکه تعریف هر کلمه‌ای باید جامع و مانع باشد باید تعریف چنین ضابطه‌ای داشته باشد تا مصادیق واقعی کشف و از موارد بیگانه تمییز داده شود تا خواننده به اشتباه، موارد غیرواقعی را زیرمجموعه آن تعریف تلقی نکند.

او این واژه و حقیقت آن را نقطه اصلی نزاع بین وهابیت و دیگر فرق اسلامی در بسیاری از مسائل می‌داند (همو، ۱۳۸۵، ص ۱۹۴) به بیان دیگر ایشان معتقدند که نزاع کلامی بین دو گروه تنها در صغری می‌باشد (همو، ۱۳۹۶، ص ۵۴).

### ۳.۲. تعریف اصطلاح عبادت از نظر آیت‌الله سبحانی

ابتدا ضروری به نظر می‌آید که طرق کشف اصطلاح عبادت در نظام فکری آیت‌الله سبحانی بیان شود. ایشان سه طریق برای تعریف و شناخت حقیقت عبادت اصطلاحی مطرح می‌کنند. روش اول «مراجعه به لغت‌نامه‌ها»، طریق دوم «بررسی موارد به کاررفته عبادت» در آن‌ها و راه سوم «کاوش در ویژگی عبادت‌های قطعی» است.

### ۳.۲.۱. مراجعه به لغت‌نامه‌ها

یکی از راه‌های تعریف عبادت مراجعه به فرهنگ لغت است. طریقی که وهابیت از آن بهره

می‌برند. همان‌طور که در قسمت «عبادت در لغت» گذشت، واژه عبادت نزد برخی از لغوی‌ها به معنای «خضوع و تذلل» و نزد برخی به معنای «نهایت خضوع» معنا شده است. این‌گونه تعاریف نمی‌تواند معرف حقیقی برای عبادت باشد و با نخستین توجه روشن می‌شود که هرگاه خضوع یا حتی نهایت خضوع رخ دهد نمی‌توان اسم آن را عبادت و پرستش و مقابلش را شرک قرار داد. از این‌رو تعریف اهل لغت تعریفی کامل و جامع افراد و مانع بیگانه نیست (همو، ۱۴۱۷ق، ص ۳۵).

ایشان پس از اشاره به تعریف‌های مذکور اشکال‌های آن را بیان می‌کند «اگر عبادت به معنای خضوع و یا نهایت خضوع باشد، فرود آوردن بال‌های فروتنی برای والدین (اسراء/ ۲۴) سجده فرشتگان در برابر حضرت آدم (بقره/ ۳۶) سجده حضرت یعقوب و دیگران در برابر حضرت یوسف (یوسف/ ۱۰۰) که در قرآن کریم آمده است نوعی شرک در عبادت است و آن‌ها در جرگه مشرکان قرار داشته‌اند و خدا نیز خود فرمان‌دهنده بدین عمل فاسد بوده است. هیچ‌کس چنین سخنی را نمی‌پذیرد» (سبحانی، ۱۴۲۶ق، ص ۸۱-۸۰).

### ۲.۲.۳. بررسی استعمالی عبادت

در این روش نظر به مواردی همچون قرآن و سنت می‌باشد که واژه عبادت در آنها به کار رفته است. آیت‌الله سبحانی این تتبع را نیز ناکارآمد دانسته و مراد خویش از روش را در قالب حقیقت و مجاز و قاعده معروف «الإستعمال أعم من معنی الحقیقی» بیان کرده است. همان‌طور که برخی از الفاظ حقیقت و مجاز استعمالی دارند، عبادت نیز در برخی موارد به معنای حقیقی یعنی مقصود اصلی نویسنده و برخی دیگر به‌عنوان لفظی مجازی یعنی معنای غیر مقصود به کار می‌رود. از این‌رو نمی‌توان از موارد استعمال این واژه معنای آن را کشف کرد (همو، ۱۳۹۶، ص ۵۷-۵۶؛ همو، ۱۳۸۴، ص ۴۵).

ایشان برای ادعای خویش به پنج مورد استشهاد می‌کند. نمونه اول درباره عاشق دل‌باخته‌ای است که معشوقه‌اش را تا مرز نهایت از عشق دوست دارد اما او را پرستش نمی‌کند. نمونه دوم افرادی‌اند که پرستشگر مجازی هوای نفس خویش هستند. آیت‌الله سبحانی در نقد آن می‌نویسد که گرچه گاهی انسان، پرستشگر هوای نفس می‌شود اما مشرک اصطلاحی نخواهد شد (همو، ۱۳۸۴، ص ۴۵). مصداق سوم دل‌باختگان منصب‌های دنیوی هستند. نمونه چهارم کسانی هستند که بنده شیطان گشته‌اند (همان، ص ۴۶). نویسنده در ادامه می‌نویسد که اگرچه در قرآن کریم،

این رفتار عبادت معرفی شده؛ اما این نام گذاری به معنای این نیست که این افراد در زمره گروه بت پرست قرار گرفته‌اند.

مورد پنجم تعبیر فردوسی از انسان پرخور و جاه طلب است که او را فردی شکم پرست می‌نامد. پرستنده آز و جویای کین ز گیتی ز کس نشنود آفرین بدیهی به نظر می‌رسد که زیاده‌روی در این موارد مایه شرک اصطلاحی نخواهد بود (همو، ۱۳۸۸، ص ۵۸). ایشان پس از تتبع در استعمال لفظ «عبادت» در روایات چنین نتیجه می‌گیرد که عبادت در تمام این موارد به صورت مجاز استعمال شده است.

### ۳.۲.۳. کاوش در ویژگی عبادت‌های قطعی

آیت الله سبحانی معتقدند که باید ویژگی‌های عبادت قطعی موحدان یا بت پرستان مدنظر واقع گردد تا حقیقت اصلی عبادت روشن شود (همو، ۱۳۹۶، ص ۵۷). در کالبدشکافی پرستش موحد و بت پرست به دو ویژگی برمی‌خوریم که یکی ظاهری و مربوط به رفتار آن‌ها و دیگری باطنی و مربوط به انگیزه و اعتقاد آن‌هاست. این دو ویژگی ملاک تشخیص عبادت حقیقی از عبادت‌های غیرحقیقی چون تعظیم و خضوع و احترام تلقی می‌شود (همو، ۱۳۸۰، ص ۱۹۱).

خصوصیت ظاهری همان وجه مشترک پرستش اصطلاحی با غیر عبادت است. این ویژگی همان خضوع و فروتنی و خاکساری است. در این خصوصیت عبادت و تکریم و بزرگداشت برابر هستند از این رو نمی‌توان صرف احترام و تکریم رفتاری را از سنخ عبادت دانست. در نتیجه باید به سراغ ویژگی دوم برویم (همو، ۱۴۲۶ق، ص ۳۶).

ویژگی دوم همان اعتقاد و انگیزه باطنی است که مشترک بین موحدان و مشرکان است. انگیزه درونی و اعتقاد قلبی همان است که موحد و بت پرست را وادار می‌کند بر آستان معبود خویش سر تعظیم فرو گذاشته و اظهار کوچکی کنند.

همان‌طور که سپری شد، صرف رفتار بیرونی نمی‌تواند فارق عبادت از عبادت نما شود بلکه باید به انگیزه قلبی اعتقادی فروتن توجه داشت تا دریابیم عمل او پرستش است یا تکریم (همو، ۱۳۹۶، ص ۵۷). از این رو لازم به نظر می‌آید که انواع انگیزه و اعتقادات احترام کننده بررسی شود (همو، ۱۳۸۸، ص ۵۹).

آیت الله سبحانی با تقسیم انگیزه‌ها به خواص و عوام به تعریف لفظ «عبادت» پرداخته‌اند (سبحانی، ۱۴۲۶ق الف، ص ۸۶).

### ۳. ۲. ۴. تعاریف نه‌گانه از عبادت اصطلاحی در آثار آیت‌الله سبحانی

مطالعه آثار آیت‌الله سبحانی خواننده را به نه تعریف که هر یک با قیود مختلفی از یکدیگر متفاوت هستند می‌رساند که می‌توان در ادامه، این تعاریف نه‌گانه را در چهار تعریف کلی خلاصه کرد.

نه تعریف آیت‌الله سبحانی عبارت‌اند از:

۱. خضوع لفظی و یا عملی که از اعتقاد به الوهیت مخضوع له نشأت می‌گیرد (سبحانی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۹؛ همو، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۸۶؛ همو، ۱۴۲۶ق، ص ۷۲؛ همو، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۴؛ همو، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۸۹؛ همو، ۱۳۸۵، ص ۱۸۲؛ همو، ۱۴۲۶ق الف، ص ۹۸؛ همو، ۱۴۲۶ق، ص ۴۷؛ همو، ۱۴۲۱ق، ص ۲۶؛ همو، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۳؛ همو، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۵۶).
۲. خضوع عملی یا قولی در برابر موجودی که اعتقاد به رب بودن اوست (همو، ۱۴۱۷ق، ص ۵۹؛ همو، ۱۳۸۵، ص ۱۸۵؛ همو، ۱۴۲۱ق، ص ۳۲).
۳. خضوع نزد کسی که اعتقاد به اله حق بودن او و یا مصدریت او نسبت به افعالی چون تدبیر امور دنیا، احیاء و میراندن، رزق دادن به موجودات و بخشنده گناهان دارد (همو، ۱۴۱۷ق، ص ۵۹).
۴. خضوع نزد کسی واقع شود که اعتقاد دارد او مالک شئون عابد، [از جمله] حیات و مرگ اوست (همو، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۸۹؛ همو، ۱۴۲۶ق، ص ۷۷؛ همو، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۶۲).
۵. خضوع موجود غیرمستقل در برابر موجود مستقل (در وجود و افعال) (همو، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۹۲؛ همو، ۱۴۲۶ق، ص ۸۰؛ همو، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۸۹؛ همو، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۶۶).
۶. خضوع در برابر موجودی که اعتقاد به رب و مدبر بودن او دارد (همو، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۵). یا او را مدیر بنفسه می‌داند (همو، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۸۹). ربی که او را مالک شئون خود از قبیل وجود، حیات، آجل و عاجل (مادی و معنوی) خود می‌داند (همو، ۱۴۲۶ق، ص ۴۸؛ همو، ۱۴۱۲ق، ص ۱۳۳).
۷. خضوع نزد کسی که اعتقاد دارد او اله عالم بوده یا اینکه امور عالم (تکوینی مانند: خلق کردن، رزق دادن، زنده کردن و میراندن و تشریحی مانند: قانون‌گذاری، شفاعت کردن و مغفرت) به او تفویض شده است. (همو، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۵؛ همو، ۱۳۸۵، ص ۱۸۶؛ همو، ۱۴۲۶ق، ص ۴۹).



۸. اعتقاد سائل و خاضع یا منادی به اینکه مخضوع له در ذهن خاضع اله و ربی هست که مالک اشیاء است. اشیاء و اموری که عاجل و آجل آن به مخضوع له بازمی‌گردد. دلیل این بازگشت در خالق بودن یا تفویض امور از جانب خالق به اوست. مخضوع له در ذهن خاضع این امور را به صورت استقلال و بالأصله داراست (همو، ۱۴۲۶ق الف، ص ۹۸).

۹. اعتقاد به اینکه درخواست شونده مستقل در اجابه و قادر است تا طلب سائل را بدون نیاز به اذن کسی لیک بگوید (همو، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۳).

پس از مطالعه در این تعاریف به نظر می‌رسد می‌توان تمام آن‌ها را به چهار تعریف مستقل بازگرداند:

#### الف. تعریف نخست

عبادت یعنی خضوع لفظی (زبانی) و یا رفتاری (عملی) در برابر موجودی که خاضع اعتقاد به الوهیت (اله برای تمام دنیا بودن) او دارد. چه اینکه اله حق باشد مانند خدای موحدان و چه اله باطل تلقی گردد همچون معبود بت پرستان.<sup>۸</sup>

#### ب. تعریف دوم

عبادت یعنی خضوع و تذلل (لفظی یا عملی) در برابر موجودی که خاضع اعتقاد دارد او مدیر، مدبر و رب ذات و افعالش است. ربی که نزد خاضع، مالک بنفسه و بالأصله [به نحو استقلالی] نسبت به بعض و یا تمام شئون دیگران (مادی و معنوی، دنیوی و اخروی، تکوینی و تشریحی) است.

#### ج. تعریف سوم

عبادت یعنی خضوع هر غیرمستقل (در اصل وجود و یا افعالش) در برابر خالق، مالک (بنفسه) و موجود مستقلی که وجود و افعالش بالأصله مربوط به ذات اوست و مصدریت او برای افعالش نیاز به اجازه هیچ کس ندارد.

#### د. تعریف چهارم

خضوع نزد کسی که اعتقاد دارد امور عالم چه تکوینی (مانند: خلق کردن، رزق دادن، زنده

کردن و میراندن) و چه تشریحی (مانند: قانون‌گذاری، شفاعت کردن و مغفرت) به او تفویض شده است.

#### ۴. بازخوانی تعاریف اصطلاحی آیت‌الله سبحانی

منظور از بازخوانی معناشناسی واژه عبادت در تعاریف ایشان، تأیید، تکمیل نواقص و تصحیح است. به‌عنوان نمونه یکی از تأییداتی که به هر چهار تعریف برمی‌گردد، بهره‌گیری از کاربرد واژه «خضوع» در تعریف عبادت است. این روش نوعی توجه به تعریف اهل لغت شمرده می‌شود.

#### ۴.۱. تعریف اول

آیت‌الله سبحانی در این تعریف پایه و اساس «عبادت» را اعتقاد به «الوهیت مخضوع له» نزد خاضع معرفی کرده است. نکته مثبت این تعریف جامعیت آن نسبت به تمام مصادیق پرستش است. توضیح آنکه محقق باید عبادت را به گونه‌ای معنا کند که حتی الامکان مصادیق دیگر آن را نیز پوشش دهد مانند عبادت بت‌ها، عبادت شیطان. این جامعیت در تعریف اول دیده می‌شود، زیرا آیت‌الله سبحانی تصریح کرده‌اند که «اله» اعم از خدای حق و خدای باطل یعنی بت‌ها دانسته شود. از این رو اعتقاد به الوهیت معبود افزون بر اینکه امری باطنی در پرستش موحدان بوده، بعینه در ضمیر بت‌پرستان نیز وجود داشته اگرچه مصداق الوهیت متفاوت بوده و یکی خدای خالق را اله و دیگری بت ناتوان را اله می‌دانسته‌اند اما در کبریا مسئله مشترک بوده‌اند.

حال آنکه سه تعریف دیگر در ظاهر جامع افراد نیستند؛ زیرا عبادت در این تعاریف به معنای خضوع در مقابل کسی (رب و مدیر، موجود مستقل و خدای مفوضه) دانسته شده است که در آنها مصادیق دیگر عبادت را در بر نخواهد گرفت. از این رو در این تعاریف به ویژگی‌های معبودان دروغین توجه نکرده است.

خداوند ویژگی‌های معبودهای باطل را در قرآن شمرده است. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: «عدم ملکیت رزق و روزی» (نحل / ۷۳) و «مالک نبودن شفاعت» (زخرف / ۸۶) و «ناتوانی در استجابات و برآوردن نیازهای عابدان خود» (أعراف / ۱۹۴)، «مالک نبودن نفع و ضرر» (یونس / ۱۸؛ فرقان / ۵۵؛ مائده / ۷۶) که این موارد برعکس ویژگی‌هایی است که باید در معبود وجود داشته باشد (نجازادگان، ۱۳۹۴، ص ۴۵)؛ بنابراین نمی‌توان آن‌ها را صرف مشترک لفظی دانست

چرا که ایشان تنها عبادت خدا را معنا کرده با آنکه واژه «عبادت» در کتاب خدا در موارد دیگر نیز به کار رفته است.<sup>۹</sup>

این سه تعریف بیشتر به این نکته پرداخته که چرا تنها حق تعالی شایسته پرستش است و دیگران هیچ سهمی از عبادت ندارند؛ اما به این مسئله که چرا مشرکان غیر خدا را عبادت می کنند آنان چه ذهنیتی نسبت به معبودهای خود، دارند که آن‌ها را شایسته عبادت می دیدند؟ (فرمانیان، ص ۵۶). بنابراین، باید در جست و جوی این وصف بود. حاصل آن که این نظریه بیش تر وضع مطلوب و حقیقت عبادت را در نظر گرفته است به جای آن که وضع موجود یعنی ذهن عابدی که خدا یا بت یا نفس و... را می پرستد بازخوانی کند (همو، ۱۳۹۳، ص ۱۷۵ و فرمانیان، ۱۳۹۳، ص ۵۶).

نکته اساسی و مهم در این تعریف فرایند اخذ موضوع در تعریف و دور بودن آن است. آیت الله سبحانی در تعریف عبادت از کلمه «اله» بهره برده در حالی که نباید در معنای عبادت، از واژه معبود، الوهیت، اله و مشتقات آن‌ها استفاده کرد چون اله به معنای معبود و معبود اسم مفعول عبادت است و تعریف به دور می کشد.<sup>۱۰</sup>

ایشان اموری چون اداره حیات و مرگ موجودات، خلق کردن و رزق بخشیدن، مغفرت و شفاعت را زیرمجموعه الوهیت خداوند دانسته و قید الوهیت را خلاصه‌ای از این شئون قرار داده است (سبحانی، ۱۳۸۴، ص ۷۶). حال آنکه این امور و شئون الهی به توحید در ربوبیت خداوند برمی گردد (همو، ۱۳۸۵، ص، ۱۸۶) و ارتباط آن‌ها با رب بودن خدا بیش تر از مقام الوهیت خداوند می باشد.

#### ۴.۲. تعریف دوم

در این تعریف تکیه گاه عبادت اعتقاد به «رب بودن» مخضوع له شمرده شده است. این تعریف علاوه بر جامع افراد بودن از استواری علمی بهره برده است چرا که تفاوت اصلی بین عبادت و احترام غیر عبادی، در باور درونی به ربوبیت و مدیر بودن معبود، تلقی می شود؛ یعنی هر نوع تکریم دیگران اگرچه به حد نهایی تذلل باشد تا زمانی که مقرون به اعتقاد ربوبیت مخضوع له نباشد، پرستش غیر خدا نخواهد بود.

آیت الله سبحانی در بیان این تعریف قید «رب بودن» مخضوع له را آورده است. این قید در نگاه اولیه تنها مصداق اتم آن یعنی ربوبیت خداوند را شامل می شود؛ اما با دقت در رفتار غیر موحدان

می توان پی برد که باور باطنی ایشان به مخضوع له، چیزی غیر از باور ربوبیت (مالک مدبر) به آن‌ها نیست.

در درک معناشناسی عبادت باید به این موضوع توجه کرد که بین «عبادت» و «ربوبیت» در آیات متعدد قرآن، پیوند و رابطه عمیقی مشاهده می‌شود. برخی از آیات در این باره عبارت‌اند از: «وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ» (مریم/۳۶) و «أَنَا رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُونِ» (انبیاء/۹۲). در این دو آیه، عبادت، متفرع بر ربوبیت آمده؛ یعنی اول رب بودن خدا اثبات، سپس امر به عبادتش شده است؛ اما در برخی دیگر از آیات ابتدا عبادت الهی آنگاه صفت ربوبیت او ذکر می‌شود مانند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ...» (بقره/۲۱) و «وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ...» (مائده/۷۲) در این دو آیه ربوبیت، علت برای عبادت بیان گشته چون که بر اساس قانون «وصف مشعر به علت است» در این آیات دستور عبادت به اشیاایی تعلق گرفته که دارای وصف ربوبیت است، در نتیجه چون ربوبیت دارد باید او را پرستش کرد. این امر نشان از رکن بودن مقام ربوبیت در باور عبادت‌کنندگان دارد، یعنی می‌توان عبادت را به معنای خضوع در پیشگاه رب دانست (نجار زادگان، ۱۳۹۷، ص ۱۸). فقط خدا رب العالمین است پس تنها مالک مدبر همه شئون هستی است.

بهترین آیاتی که اشاره به پیوند واژه «رب»، «اله» و «عبادت» دارد آیه «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» (توبه/۳۱) است. فرایند عبادت حضرت عیسی، احبار و رهبان طبق مفاد آیه بدین گونه بوده که در مرحله اول حضرت عیسی و دانشمندان دینی، نزد مردم رب مستقل در امور تشریحی و در عرض خدا تشخیص داده شده‌اند و سپس در مرحله دوم اله قرار گرفته و در مرحله نهایی عبادت و پرستش می‌شود؛ بنابراین خضوع در برابر او به این عنوان که او رب است؛ عبادت او به شمار می‌رود (همو، ۱۳۹۳ الف، ص ۶۸-۶۷).

با این بیان، مشرکان عصر نزول قرآن به دلیل تقلید از آباء خویش، خواسته‌های نفسانی و پیروی از ظن، به ارباب گوناگون باور داشتند و برای شئون گوناگون زندگی خود ربی مستقل در نظر می‌گرفتند مانند: رب عزت، رب نصرت، رب قحطی و آنگاه برای جلب منفعت یا دفع ضرر به عبادت بت‌ها می‌پرداختند یعنی در پیشگاه رب خاضع و منقاد می‌شدند. با آنکه در واقع اسم رب بر هر چه غیر خداست، اسم بی مسمّا و بی معناست. چون ربی به غیر از خالق واقعی نیست و خالقی به غیر از خدا نیست (فرمانیان، ص ۷۲ و نجارزادگان، ۱۳۹۳، ص ۱۸۹). دلیل بر باور ربوبیت

استقلالی بت‌ها در ذهن مشرکان، قید «من دون الله» است که در آیات ناهی مشرکان از عبادت بت‌ها دیده می‌شود. این قید نشان می‌دهد که آنها بت‌ها را به گونه‌ای مستقل و در عرض خدا می‌دانستند که نیازهای آنان را تدبیر و مرتفع می‌کردند.

در داستان حضرت ابراهیم آمده که او از خداوند می‌خواهد خود و فرزندانش را از بت پرستی دور بدارد (/ابراهیم/ ۳۶-۳۵). او دلیل این دعا را گمراهی بت‌ها می‌داند زیرا در باور بت پرستان عصر او، بت‌ها مالک منفعت و زیان و گمراهی و هدایتی بوده‌اند؛ یعنی ابتدا بت را رب، آنگاه عبادت می‌کردند و در توحید ربوبی مشرک بوده‌اند (ر.ک: نجارزادگان، ۱۳۹۴، ص ۵۸۶). این امور از شئون ربوبیتی آنها بوده که مورد اعتراض حضرت ابراهیم واقع شد.

شاهد دیگر سخن حضرت یوسف علیه السلام به هم‌سلولی‌های خود است. حضرت یوسف در مقام اثبات توحید عبادی از توحید ربوبی بهره می‌گیرد: «أَرَبَابٌ مُتَّفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ \* مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ» (یوسف/ ۴۰-۳۹).

حاصل آنکه از رابطه عبادت با ربوبیت در این آیات به خوبی می‌توان معنای واقعی عبادت را دریافت. تا زمانی که ربوبیتی نباشد، عبادتی تحقق نمی‌یابد پس اگر خاضع در برابر کسی یا چیزی زنده یا مرده، جاندار یا بی‌جان خضوع و خشوع کند اما در ذهن خود هیچ شأنی از شئون ربوبی را به طور مستقل برای کسی که در برابرش خاضع گشته، قائل نباشد، هرگز کار او عبادت نیست و بالعکس کمترین خضوع در برابر کسی که او را رب می‌بیند، عبادت خواهد بود (فرمانیان، ص ۷۶).

شاهد این ادعا این است که اگر فرض کنیم از مسلمانی که به زیارت قبر پیامبر خدا رفته و برای شفای فرزند خود استغاثه می‌کند پرسیده شود فرض کن پیامبر خدا می‌خواهند فرزند تو را شفا دهند اما خداوند نمی‌خواهد آیا تو اعتقاد داری که فرزند تو شفا می‌یابد؟ او بی‌درنگ خواهد گفت: خیر تا خدا نخواهد از هیچ کس حتی ائمه کاری ساخته نیست؛ اما اگر این پرسش از بت پرست پرسیده شود می‌گوید: آری فرزند من شفا می‌یابد چون این بت، رب یعنی مالک مدبر شفاست و خدا خالق بازنشسته است که تدبیر شفا را به این بت سپرده است (همو، ص ۸۲).

عبادت شیطان نیز به همین مناسبت است. عبادت شیطان در دو جای قرآن شریف آمده؛ اولی آیه «لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ» (مریم/ ۴۵-۴۴) و «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ» (یس/ ۶۱-۶۰) است. در این آیات نیز، ابتدا شیطان به عنوان رب و در ادامه به عنوان اله و معبود فرض شده و در مقابل او خضوع می‌شود به گونه‌ای که انسان پرستشگر شیطان، سرپرستی خود را به او واگذار

کرده و او را مالک بخشی از زندگی خود می‌داند. او معتقد است شیطان تدبیرگر در زندگی اوست. به همین جهت چون او را از این کار انذار دهیم روی می‌گرداند و به مسیر خود ادامه می‌دهد. چنین کسی شیطان را به جای خدا، معبود خود قرار داده است. این معنا با سیاق آیات عبادت شیطان نیز سازگارتر است؛ چراکه در این آیات پرستشگر شیطان، کافر شمرده شده است (نجم، ۱۳۹۳ الف، ص ۷۰).

تعریف دوم اشکال دیگری دارد که مشترک بین تمام تعاریف است. آیت‌الله سبحانی توجه نکردند که عبادت نوعی اظهار کردن باور باطنی است؛ از این رو صرف خضوع و تذلل نمی‌تواند یکی از ارکان عبادت باشد بلکه اظهار کردن خضوع و بروز دادن آن امر درونی، رکن اصلی برای نمایش عبادت در رفتار خارجی است.

در تمام تعاریف مزبور ابهامی وجود دارد و آن اینکه باید مرز خضوع مطلق که به تسلیم و سپس به ذوب شدن در معبود می‌انجامد با خضوع و تسلیم محبوب نسبت به محب و یا ولی خدا تفکیک شود (فرمانیان، ۱۳۹۳، ص ۷۶). حال آنکه چنین تفکیکی و تبیینی از آیت‌الله دیده نمی‌شود.

#### ۳.۴. تعریف سوم

تعریف سوم آیت‌الله به تبیین اول و دوم ایشان از عبادت بازگشت دارد؛ چراکه مقصود از خضوع «غیرمستقل» در برابر «موجود مستقلی که وجود و افعالش بالأصله مربوط به ذات او بوده و مصدریت او برای افعالش نیاز به اجازه هیچ کس ندارد»، بیان دیگر از خضوع انسان در برابر رب است؛ یعنی مصداق موجود غیرمستقل همان رب است که در باور خاضع شکل گرفته است. اشکال دیگر این تعریف بعید بودن آن از اذهان عمومی است. واقعیت جامعه موحدان این است که نوع مردم در عبادت خدا متوجه «مستقل بودن» و عباراتی چون «بالاصاله بودن» خدا در ذات و افعالش نیستند؛ بلکه با عقل بسیط خویش می‌فهمند خالق که نعمت دهنده است را باید عبادت کرد. این شناخت همیشه مستلزم خضوع در پیشگاه معبود نیست. مثل شیطان که خضوع در پیشگاه خداوند را به رغم اعتقاد به استقلال خداوند برننافت.

#### ۴.۴. تعریف چهارم

اساس و رکن مهم در این تعریف امر تفویض است. آیت‌الله سبحانی با جدا کردن این تعریف از دیگر تعاریف، به امری غیر از ربوبیت یا الوهیت معبود نظر داشته و عبادت را در مصداقی تصور

کرده که اگر احیاناً شیء مخضوع له، مقام الوهیت و یا ربوبیت نداشته باشد اما به سبب تفویض از جانب خداوند، لیاقت پرستش اصطلاحی را دارد. به عبارت دیگر همان طور که اعتقاد درونی به امور خدایی، تمایزدهنده عبادت از انواع تکریم می شود؛ اعتقاد به تفویض این دسته از امور، به مخضوع له، می تواند او را جایگزین خدا قرار داده و به خضوع در برابر او رنگ عبادت اصطلاحی ببخشد.

تفویض در اعتقاد امری هست که به واگذاری امور الهی به غیر خدا برمی گردد. این باور باطنی زمانی که در رفتار شخص بروز کند او را به خاک سپاری نزد مخضوع له وامی دارد. تمام فرقه های کلامی اعتقاد دارند چنین رفتاری که سرچشمه ای چنینی دارد موجب شرک در عبادت خواهد شد. تفویض در دیدگاه آیت الله به دو نوع تکوینی و تشریحی تقسیم می شود. تفویض تکوینی به معنای واگذاری تدبیر امور دنیا از جمله خلق کردن، رزق بخشیدن، میراندن، نزول برف و باران و... به غیر خدا از بندگان خوب او مانند فرشتگان، انبیاء و اولیاء است. تفویض تشریحی نیز واگذاری امور الهی همچون قانون گذاری، جعل شریعت، مغفرت بخشیدن، شفاعت کردن به بندگان خداست (سبحانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۹۴).

تفویض به هر دو نوعش موجب شرک خواهد شد. سبب این امر اعتقاد خاضع به شریک بودن غیر خدا مانند فرشته، نبی در عرض خداست زیرا اموری که مربوط و متعلق به جبهه حق الهی را داشته به غیر او واگذار کرده و تدبیر و تصرف الهی را به طور اشتراکی به غیر خدا واگذار کرده است. مصداق تاریخی این شرک رفتار و اعتقاد مشرکان عصر رسالت است. آن ها نوعی شراکت استقلالی برای بت ها معتقد بودند و امور دنیایی خویش را بنفسه از بت ها استمداد می کردند. داستان «عمر بن لحي» به عنوان آغازگر بت پرستی در شبه جزیره مؤید این ادعاست. زمانی که او به شام مسافرت کرد و عبادت بت پرستان را دید، چنین پاسخ شنید: «هذه أصنام نعبدها فنستمطرها فتمطرونا و نستنصرها فتنصرنا». (ابن هشام، ج ۱، ص ۷۹) همچنین در سفر منجر به صلح حدیبیه پیامبر تأکید می کنند که اداره امور دنیا به دست خداست نه ستارگان. «قال رسول الله: «مَنْ قَالَ: مُطِرْنَا بِرَحْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلِهِ، فَهُوَ مُؤْمِنٌ بِاللَّهِ وَكَافِرٌ بِالْكَوَاكِبِ، وَمَنْ قَالَ: مُطِرْنَا بِنَجْمٍ فَهُوَ مُؤْمِنٌ بِالْكَوَاكِبِ وَكَافِرٌ بِي» (حلبی، ج ۳، ص ۲۹). این دو نقل تاریخی به تفسیر اول از تفویض برمی گردد (سبحانی، ۱۴۲۱ق، ص ۳۳).

اعتقاد به واگذاری امور تشریحی به غیر خدا نیز نوعی «ند» قرار دادن برای اوست. قرآن کریم می فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ» (بقره / ۱۶۵). بر اساس

مفاد این آیه، موجودات نمی‌توانند «ند» و همنابر برای خدا باشند الا زمانی که مستقل از خدا باشند. همچنین مشرکان اموری چون شفاعت و غفران را به بت‌ها واگذار کرده بودند که خداوند در رد این عقیده می‌فرماید: «يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَ لَا يَنْفَعُهُمْ» (یونس / ۱۸) از این رو اعتقاد به چنین موجودی در عرض خدا، نوعی شرک عبادی معنا می‌شود. (سبحانی، ۱۳۸۴، ص ۸۵).

تعریف چهارم هم سو با تعریف سوم است. از این رو نمی‌توان اعتقاد به تفویض را تعریفی جدا از تعریف سوم تلقی کرد؛ بلکه برای تکمیل تعریف سوم و چهارم یکی از آن دو کار باید صورت پذیرد: یا باید ارکان تعریف سوم عبادت را تفویض امور الهی به غیر خدا قرار داد و در تبیین چنین تفویضی، از مستقل بودن غیر خدا در افعالش سخن گفت و یا اینکه تعریف مرکب از ارکان استقلالیت در فعل و تفویض به غیر باشد تا عبادت اصطلاحی از احترام و تکریم‌های غیرعبادی جدا شود. در نتیجه این تعریف و تعریف چهارم روی دیگر سکه ربوبیت الهی است و تقریری متفاوت اما هم‌سخن و در ردیف ربوبیت الهی هستند.

بنابراین چنین به نظر می‌رسد قرار دادن تعریف سوم و چهارم در بدنه تعریف دوم کاری معقول و متناسب با فن اختصارنویسی تلقی می‌شود؛ بنابراین تعریف دوم درست است و عبادت به معنای اظهار حس خضوع در برابر رب است. ربی که در ذهن عابد، سمت ربوبیت یافته هرچند در واقع هرگز شایسته این سمت نیست چون ربوبیت تنها برای خدای خالق است و چون که هر خالقی مالک مدبر هست و اثبات گشته که خالق، یگانه است؛ پس رب هستی نیز یگانه و سایر ربوبیت‌ها سراب می‌باشد (نجارزادگان، ۱۳۹۷، ص ۱۸).

در نتیجه حقیقت عبادت بر دو رکن مهم «اظهار خضوع، تذلل و انقیاد و رام بودن» و «اعتقاد به رب بودن مخضوع له بالحق یا بالباطل» استوار گشته است. چنین تعریفی تمام محسنات مزبور را داشته و از اشکالات مطرح‌شده مبرا است؛ به گونه‌ای که مرز بین عبادت اصطلاحی و شرک اصطلاحی و بین پرستش و تکریم غیرعبادی همین نکته است.

عبادت در استعمالات قرآنی به صورت مشترک معنوی استعمال شده است و وضع معنای مستقل برای هر واژه آن، مخالف با اصل عدم اشتراک می‌باشد. از طرفی حقیقت و مجاز در استعمال واژه عبادت امری روشن و مستعمل است؛ اما تعیین معنای مجازی در موارد استعمال واژه عبادت نیاز به دلیل دارد. از این رو اگر در موردی همچون عبادت پدر و مادر، عبادت معشوقه و ... قرینه بر مجاز وجود داشته باشد می‌توان ادعای استعمال معنای مجازی را پذیرفت اما



استعمال عبادت در مصادیقی چون احبار، شیطان، بت، هم زندانی حضرت یوسف، عموی حضرت ابراهیم و ... بر اساس مشترک معنوی و به معنای واحد «اظهار خضوع، تذلل و انقیاد و رام بودن در پیشگاه رب» است.

#### نتیجه

عبادت نزد آیت الله سبحانی در قالب نه تعریف بیان می شود که قابلیت تجمیع به چهار تعریف را دارد. آیت الله سبحانی برای هر یک از تعاریف چهارگانه خویش انگیزه های درونی خضوع کننده را فصل ممیز تعاریف چهارگانه برشمرده است. این انگیزه های باطنی همان ارکان سازنده تعاریف چهارگانه عبادت نزد ایشان تلقی می شود. این ارکان عبارت اند از: یک: باور به الوهیت مخضوع له؛ دو: باور به ربوبیت؛ سه: باور به مستقل بودن او و چهار: تفویض تمام و یا بخشی از امور تشریعی یا تکوینی به مخضوع له. اضافه کردن قید «اظهار» به کلمه «خضوع و تذلل» در تمام این تعاریف، امری ضروری به نظر می رسد. بررسی و ارزیابی دیگر تعاریف ایشان بدین شرح است:

تعریف اول آیت الله سبحانی نسبت به تمام مصادیق پرستش جامعیت دارد زیرا عبادت را به گونه ای معنا کرده که تمام مصادیق عبادت چه معبود حق و چه معبود باطل را پوشش می دهد. ضعف علمی مهم در فرایند این تعریف، اخذ موضوع در تعریف عبادت و دور بودن آن است. همچنین ایشان اموری چون اداره حیات و مرگ موجودات، خلق کردن و رزق بخشیدن، مغفرت و شفاعت را زیرمجموعه الوهیت خداوند دانسته؛ حال آنکه این امور و شئون الهی به توحید در ربوبیت خداوند برمی گردد.

تعریف دوم متکی به اعتقاد به «رب بودن» مخضوع له است. این تعریف علاوه بر جامع افراد بودن از اتقان علمی برخوردار است؛ زیرا اولاً تمایز اصلی بین عبادت و احترام غیرعبادی، در باور درونی به ربوبیت و مدیر بودن معبود، تلقی می شود. ثانیاً جامعیت این تعریف به این معناست که در باور تمام عابدان اعتقاد به مدبر بودن مخضوع له رکنیت داشته است.

همچنین فرایند عبادت حضرت عیسی، احبار و رهبانان بدین گونه است که ابتدا اینان نزد مردم به صورت استقلالی به عنوان رب شناخته می شوند و در ادامه به پرستش آنان پرداخته می شود. با این بیان، مشرکان عصر نزول قرآن چون از پدران خویش تقلید می کردند به ارباب متعددی اعتقاد داشتند و برای هر شأنی از شئون زندگی یک رب مستقل را می پرستیدند و برای جلب

منفعت خویش یا دور کردن ضرری به عبادت بت‌ها می‌پرداختند. عبادت بت‌ها در داستان عموی حضرت ابراهیم (ع)، پرستش باطل در قضیه هم زندانی‌های حضرت یوسف و عبادت شیطان و هوای نفس توسط انسان‌ها نیز به همین مناسبت است؛ زیرا عبادت بت، هوای نفس و شیطان به معنای این است که ابتدا بت، هوای نفس و شیطان را در متن حیات خود «رب» پنداشته، مالک مدبر امور قلمداد می‌شود و سپس اله و معبود قرار داده شده و برابرش خضوع صورت می‌گیرد. تعریف سوم با رکنیت «مستقل بودن» در حقیقت به تعریف اول و دوم برمی‌گردد؛ این تعریف، اشکال بعید بودن از اذهان عمومی را نیز دارد. اساس و رکن مهم در تعریف چهارم، امر تفویض است. این تعریف نیز هم سو با تعریف سوم یعنی اعتقاد به موجود مستقل است چون تفویض امری به کسی، او را در آن امر مستقل می‌کند. از این رو نمی‌توان اعتقاد به تفویض را تعریفی جداگانه از تعریف سوم ایشان تلقی کرد.

گرچه سعی در استقصاء تمام آثار آیت‌الله سبحانی بوده اما احتمال خطای شمارشی و عدم دسترسی به آثار جدید و یا در دست چاپ منتفی نیست. از این رو مسیر علمی برای تحقیق و بررسی دیدگاه و یا روش نگارشی ایشان برای علاقه‌مندان و محققین این عرصه باز می‌باشد.

#### یادداشت‌ها

۱. به قطع می‌توان گفت این پژوهش در تمام آثار آیت‌الله سبحانی (۱۷ کتاب در دو بخش فارسی و عربی) بررسی شده است. برای این منظور از کتابخانه‌های تخصصی کلام به‌ویژه کتابخانه مؤسسه امام صادق (ع) و تمام آثار ایشان در نرم‌افزار نور استفاده شده است. کتاب‌های عربی بدین ذیل‌اند: «الالهیات علی هدی الکتاب و السنه و العقل»، «العقیده الاسلامیه علی ضوء مدرسه اهل‌البیت»، «الاسماء الثلاث»، «الایمان و الکفر»، «التوحید و الشریک فی القرآن الکریم»، «الفکر الخالد»، «الملل و النحل»، «الوهابیه بین المبانی الفکریه و تاریخ العملیه»، «الوهابیه فی المیزان»، «بحوث قرآنیه»، «فی ظلال التوحید»، «فی ظل اصول الاسلام»، «مفاهیم القرآن» و کتاب‌های فارسی بدین شرح: «منشور عقائد امامیه»، «آیین وهابیت»، «وهابیت مبانی فکری و کارنامه عملی» و «درس‌نامه نقد وهابیت»

۲. توحید به دو بخش کلی نظری و عملی و توحید نظری به سه مرتبه ذاتی، صفاتی و افعالی تقسیم می‌شود (جوادی آملی، ص ۲۰۱؛ سبحانی، ۱۳۹۶، ص ۵۴. ربانی گلپایگانی، ص ۴۷ و ۶۳-۶۴).
۳. برخی از محققان ابن تیمیه را پیشوا و بنیان‌گذار سلفیه و فتاوی‌اش را زمینه‌ساز حرکت‌های بنیادگرا و نیروهای جهادگرای سلفی نوظهور در جامعه اسلامی دانسته‌اند. به گونه‌ای که او را، پدر معنوی افراط‌گرایی اسلامی (شیخ المجاهدین) معرفی کرده‌اند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: لطفی، ص ۵۷؛ علی پور، ص ۴۳).
۴. العین والباء والبدال اصلان صحیحان، کانهما متضادان و [الاول] من ذینک الاصلین یدل علی لین و ذلّ والآخر علی شدّه و غلظ.
۵. یادداشت شماره ۱.
۶. این روش در کتاب‌های «التوحید و الشرك فی القرآن الکریم»، «الوهابیه بین المبانی الفکریه و تاریخ العملیه»، «الوهابیه فی المیزان»، «فی ظل اصول الاسلام»، «آیین وهابیت» آمده است.
۷. این نوع از نگارش در کتاب‌های «العقیده الاسلامیه علی ضوء مدرسه اهل البیت»، «الملل و النحل»، «بحوث قرآنیه»، «مفاهیم القرآن»، «الفکر الخالد»، «الملل و النحل»، «منشور عقائد امامیه» آمده است.
۸. آیت الله سبحانی برای تعریف خویش از دیگر علماء نیز شاهد می‌آورد (ر.ک: بلاغی، ص ۵۷).
۹. درباره ادله اثبات عدم اشتراک لفظی واژه عبادت در قرآن کریم. ر.ک: نجار زادگان، کیوان نژاد، نظریه عدم اشتراک لفظی معنای عبادت در قرآن «پژوهشنامه تفسیر قرآن»، ص ۵۷۸؛ همو، ص ۵۹۰-۵۸۳، ۱۳۹۴.
۱۰. آیت الله سبحانی در برخی از آثار خویش معبود را لازمه اله دانسته‌اند (سبحانی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۲) و در برخی دیگر اعتقاد به الوهیت را به منزله فصل و در حکم فصل برای تعریف عبادت می‌دانند (همو، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۶۱-۴۶۰). حال آنکه اشکال مصادره به مطلوب همچنان باقی است.

## منابع

قرآن کریم

ابن الانباري، محمد، كتاب الاضداد، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، كويت، چاپ حكومت الكويت، ١٩٨٦.

ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، جامع المسائل، مکه، دار عالم الفوائد، ق ١٤٢٢.

\_\_\_\_\_، العبودية، تحقيق: على بن حسن، ج ٢، جده، مكتبة دار الوصال، ١٤٠١ق.

\_\_\_\_\_، قاعدة في المحبة، تحقيق: محمد رشاد سالم، قاهره، مكتبة التراث الإسلامي، بی تا.

\_\_\_\_\_، الصارم المسلول على شاتم الرسول، رياض، الحرس الوطني السعودي، ١٤٠٣ق.

\_\_\_\_\_، مجموع الفتاوى، تحقيق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، مدينه، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ١٤١٦ق.

ابن جرير، محمد، جامع البيان عن تاويل اى القرآن (تفسير طبرى)، بيروت، بی تا، ١٤٠٨ق.

ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، ترتيب: على العسكري وحيد المسجدى، قم، مركز دراسات الحوزه و الجامعه، ١٣٨٧.

ابن عبد الوهاب، محمد، أصول الدين الإسلامى مع قواعد الأربع، تحقيق: رتبه محمد الطيب بن اسحاق انصارى، مکه مكرمه، دار الحديث الخيري، بی تا.

\_\_\_\_\_، خمسون سؤالاً و جواباً فى العقيدة، نرم افزار مشكاه الإسلاميه، بی تا الف.

\_\_\_\_\_، كشف الشبهات، عربستان سعودى، وزاره الشؤون الإسلاميه و الأوقاف والدعوه والإرشاد، ١٤١٨ق.

ابن منظور، محمد، لسان العرب، بيروت، دار احياء التراث العربى، بی تا.

ابن هشام، ابو محمد عبد الملك، السيرة النبوية، بيروت، دار التراث العربى، بی تا.

بغوى، حسين، معالم التنزيل (تفسير بغوى)، تحقيق خالد عبدالرحمن العك، بيروت، بی جا، ١٤٠٧ق.

بلاغى نجفى، محمد جواد، آلاء الرحمن، قم، وجدانى، بی تا.

حلبى، على بن ابراهيم، السيرة الحلبية، بيروت، المكتبة الاسلاميه، بی تا.

جوادى آملی، عبدالله، تفسير موضوعى قرآن كريم (توحيد در قرآن)، ج ٨، قم، اسراء، ١٣٩٥.

جوهرى، اسماعيل، الصحاح، تحقيق احمد عبدالغفور عطار، بيروت، دار العلم للملايين، ١٩٥٦.

ربانى گلپايگانى، على، محاضرات فى الالهيات، ج ٧، قم، مؤسسه امام صادق، ١٤٢٥ق.

رشيد رضا، محمد، المنار (دروس شيخ محمد عبده)، بيروت، دار المعرفه، بی تا.

- الزاوی، طاهر احمد، ترتیب القاموس المحيط، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۹ق.
- زمخشری، جارالله، الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، مصحح: شاهین محمد عبدالسلام، چهار جلدی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- سبحانی تبریزی، جعفر، آیین وهابیت، ج ۴، قم، نشر مشعر، ۱۴۲۳ق/۱۳۸۰.
- \_\_\_\_\_، الاسماء الثلاثه الاله، الرب، العباده، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۴۱۷ق.
- \_\_\_\_\_، الالهیات علی هدی الكتاب و السنه و العقل، به قلم: شیخ حسن محمد مکی العاملی، ج ۴، چهار جلدی، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۴۱۳ق.
- \_\_\_\_\_، الایمان و الکفر فی الكتاب و السنه، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۴۱۶ق.
- \_\_\_\_\_، بحوث فی الملل و النحل، ۹ جلدی، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۴۲۷ق.
- \_\_\_\_\_، بحوث قرآنیه فی التوحید و الشرك، ج ۳، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۴۲۶ق.
- \_\_\_\_\_، التوحید و الشرك فی القرآن الکریم، ج ۲، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۳۸۴.
- \_\_\_\_\_، درس نامه نقد وهابیت، تحقیق: مرتضی محیطی، قم، دارالاعلام لمدرسه اهل البيت، ۱۳۹۶.
- \_\_\_\_\_، الفکر الخالد فی بیان العقائد، مترجم: خضر آتش فراز (ذوالفقاری)، دو جلد، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۴۲۵ق/۱۳۸۳.
- \_\_\_\_\_، فی ظلال التوحید و بند الشرك، تهران، نشر مشعر، ۱۴۲۱ق.
- \_\_\_\_\_، فی ظل اصول الاسلام، ج ۲، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۴۱۴ق.
- \_\_\_\_\_، العقیده الإسلامیه علی ضوء مدرسه اهل البيت، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۴۱۹ق.
- \_\_\_\_\_، مفاهیم القرآن، ج ۲، ده جلدی، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۴۲۱ق.
- \_\_\_\_\_، الوهابیه بین المبانی الفکریه و النتائج العمليه، تعریب: خضر آتش فراز (ذوالفقاری)، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۴۲۶ق الف.
- \_\_\_\_\_، الوهابیه فی المیزان، ج ۳، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۳۸۵.
- \_\_\_\_\_، وهابیت مبانی فکری و کارنامه عملی، ج ۴، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۴۳۱ق/۱۳۸۸.
- شرتوتی، سعید، اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ق.
- طبرسی، فضل، مجمع البیان لعلوم القرآن، تحقیق: محلاتی و طباطبایی، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۶ق.

- طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۲ق.
- عاملی، محمدبن الحسن الحر، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- علی پور، جواد و دیگران، « تأثیر اندیشه‌های ابن تیمیه بر خطوط فکری و خط مشی گروه‌های سلفی - تکفیری»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۱۲، ۱۳۹۶.
- فراهیدی، خلیل، العین، تحقیق مهدی المعزومی و ابراهیم السامرائی، قم، اسوه، ۱۴۱۴ق.
- فرمانیان، مهدی، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ج ۵، قم، دارالاعلام لمدرسه اهل البیت (علیهم السلام)، ۱۳۹۳.
- فیروزآبادی، محمد، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز، تحقیق: محمدعلی النجار، مصر، ۱۴۱۶ق.
- لطفی، علی اکبر، «بررسی تأثیرات اندیشه ابن تیمیه بر عملکرد سلفیه جهادی»، مجله سراج منیر، شماره ۳۱، پاییز، ۱۳۹۷.
- میرمحمدی، سیدضیاء الدین و دیگران، «درآمدی بر چیستی تمدن اسلامی از دیدگاه مستشرقان»، مجله تاریخ اسلام، سال سیزدهم، شماره ۵۰، ۱۳۹۱.
- نجمه کیوان نژاد، «نظریه عدم اشتراک لفظی معنای عبادت در قرآن»، پژوهشنامه تفسیر قرآن، دوره دوم، شماره ۸، زمستان، ۱۳۹۴.
- \_\_\_\_\_، «ارزیابی مفسران درباره معنانشناسی عبادت شیطان در آیات ۴۴ مریم و ۶۰ یس»، پژوهشنامه تفسیر قرآن، بهار، دوره یکم، شماره ۱، ۱۳۹۳ الف.
- نجمه کیوان فتح‌الله، «معنانشناسی عبادت در نظام تعالیم وحی»، مندرج در: کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ج ۵، قم، دارالاعلام لمدرسه اهل البیت، ۱۳۹۳.
- \_\_\_\_\_، توحید ربوبی در دیدگاه مفسران فریقین، قم، جزوه درسی دانشگاه تهران، ۱۳۹۷.

## **A Critical Study of Ayatollah Sobhani's Views on the Nature of Worship**

Seyed Ahmad Hashemi Aliabadi\*  
Mohammad Javad Hassanzadeh Meshkani\*\*

### **Abstract**

The identification of the term 'Ibadeh' (worship) has a long history in the writings of philologists. The sect of 'Wahhabism', by its misunderstanding of the meaning of worship, has excommunicated the Muslims. In contrast, Ayatullah Sobhani, in most of his works, has presented an analysis of worship, which is closer to the reality of Sharieh (Islamic Law). The present paper aim to examine critically the definition of worship proposed by Ayatullah Sobhani. He believes that worship has two constitutive elements: internal and external. Its internal element is the worshiper's 'Khuzu' (humility) and 'Tathalul' (abjection), and its external element is classified into four groups: in the first group, 'Uluhiyyeh' (deity) is the base, and worship means the humility before Allah; in the second group, the base is

---

\* Shahid Beheshti University

\*\* University of Tehran

seyedahmad53@gmail.com

hasanzadeh14630@gmail.com

'Rububiyah' (lordship), and, worship is the state of humility in which a person believes in Allah's Lordship; in the third group, the base is 'independence', and, in the fourth group, the base is "Tafwid" (resignation). In the third group, worship is the humility before God who is the creator and the independent being. In the fourth version, worship is humility before a being other than Allah, such as idols, stars, angels, prophets and God's saints, to whom the affairs of the universe have been delegated. The authors define worship as expressing abjection and obedience before the Divine Lord, which not only is a conclusive definition, but it is also devoid of the defaults of Ayatullah Sobhani's definition. The method adopted for the present study is a descriptive and analytic one.

**Key Terms:** *Ayatullah Sobhani, 'Ibadeh', 'Khuzu', 'Uluhiyyah', 'Rububiyah'.*